



در باب حرم

روح‌الله حبیبیان

آن ور آب بیندازیم تا ببینیم با توجه به این مسائل، این عشق و علاقه به قوت خود باقی می‌ماند یا باید عطایش را به لقایش بخشید؟!

آن ور آب داریم تا آن ور آب

اگر بنا باشد این سفرها را تقسیم بندی کنیم، می‌توانیم از جهات مختلف این کار را انجام دهیم. مثلاً از نظر نوع سفر، انگیزه‌ها و اهداف آن، مقصد و مسیر و... که همه این موارد از نظر فقهی احکام خاص و ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد.

در هر حال باید توجه داشت که نمی‌توان در مورد هر نوع سفر اعم از داخلی یا خارجی، حکم یکسانی صادر کرد. بلکه کوچک‌ترین جزئیات و اهداف در این رابطه می‌تواند احکام سفر را تغییر دهد.

در روایتی نقل شده که دو نفر هم سفر به محضر یکی از امامان معصوم رسیدند و از تکلیف شرعی خود در مورد نماز مسافر پرسیدند. حضرت تکلیف یکی را نماز کامل و تکلیف دیگری را نماز شکسته تعیین فرمودند.

است» بوده و وقتی پای صحبت‌شان می‌نشینید یا نگاهی به ریخت و قیافه یا تصاویر صفحه موبایل یا کامپیوترشان و حتی در و دیوار اتاق‌شان می‌اندازید، شک نمی‌کنید که این بنده خدا تنها جسمش در دارغوز آباد سفلی است! والا روحش در شانزله‌یزه پاریس یا منهتن نیویورک یا ونیز ایتالیا و امثال آن مشغول ادامه حیات است.

اگر از این گروه سینه چاک و عاشق مسلک‌های صرف نظر کنیم، افراد دیگری می‌مانند که به هر دلیلی مایلند یک بار در طول عمرشان هم که شده سری به این بلاد کفر بزنند و ببینند آن‌ور کره زمین چه خبر است؟! البته اگر پا داد و مدتی به بهانه تحصیل و تفریح یا تجارت و هر چیز دیگر ساکن فلان کشور فرنگ شدند زهی سعادت و کلاس بی‌مثال که تا عمر باقی است می‌توان به آن افتخار کرد و چشم حسودان را به نقل خاطرات آن ایام کور نمود!

اما فارغ از این مقدمات بد نیست از منظر دین و شریعت هم نگاهی به این مقوله و متن و حاشیه‌های سفر به

از روزی که مرحوم حسن مقدم، نویسنده قدیمی کشور نمایشنامه معروف «جعفر خان از فرنگ برگشته» را نوشت دقیقاً ۸۹ سال می‌گذرد و در طول این سال‌ها بارها این نمایشنامه‌ها و امثال آن روی سن نمایش‌خانه‌ها یا روی پرده سینماها به نمایش درآمد و ملت هم به رفتارهای عجیب و غریب فرنگ رفته‌ها یا عاشقان سینه چاک فرنگ و به اصطلاح امروز «آن ور آب» خندیده‌اند.

هر چند در این سال‌ها تب و تاب سفرهای برون مرزی تا حد زیادی کاهش پیدا کرده، اما هنوز کم نیستند افرادی که آرزوی بزرگ‌شان و به قول مداح‌ها در رأس حوائج‌شان سفر به یکی از کشورهای خارجی به خصوص از نوع اروپایی و آمریکایی است و اگر این توفیق رفیق‌شان شود، دیگر از دار دنیا آرزویی برایشان باقی نمی‌ماند.

البته درصد این عشق و علاقه در افراد گوناگون متفاوت است. مثلاً گروهی هستند که وصف حال‌شان همان داستان معروف «من در میان جمع و دلم جای دیگر

احساس خفگی در وطن؟! ■

اما در میان همه سفرها بخصوص در سفرهای خارجی نمی‌توان از یک قسم معروف و مشهور چشم پوشید و آن هم سفرهای تفریحی به اماکن توریستی و یا خوش آب و هوای جهان است.

این سفرها در گذشته‌ای نه چندان دور تنها مخصوص طبقه بسیار خاصی از اعیان و اشراف بود و اکثریت مطلق جامعه به هیچ وجه درگیر این مسأله نبودند. اما در سال‌های اخیر و به دلایلی که کم هم نیستند، لزوم تجربه یک سفر خارجی و بازدید از ممالک متمدن عالم برای برخی از افراد معمولی جامعه ما تبدیل به ضرورتی در حد تیم ملی! شده است!!!

مخصوصاً اگر بیخ گوش یک خانواده، فامیل یا همسایه‌ای به تازگی چنین سفری را تجربه کرده باشند که دیگر واویلا است و باید از نان شب و پوشک بچه زد تا مقدمات چنین سفری

سفر به انواع کشورهای اسلامی که اکثر جمعیت‌شان مسلمانند و قوانین اسلام کم و بیش در آن‌ها جریان دارد به مراتب آسان‌تر و کم دردسزتر است تا مسافرت به کشورهای غیر اسلامی یا به اصطلاح فقهی «بلاد کفر». زیرا نفس ارتباط با برخی از این کشورها و مردمان‌شان، همچنین معامله و ارتباط اقتصادی با آن‌ها یا حتی ارتباطات عادی اجتماعی با آن‌ها می‌تواند محدودیت‌هایی از نظر فقهی داشته باشد که درستی و جواز اصل سفر به این کشورها را زیر سؤال ببرد. در نتیجه فرق است که برای سفر خود، جزایر کومور را انتخاب کنیم که کشوری زیبا و دیدنی اما دارای مردمی مسلمان و علاقمند به ایران و انقلاب است یا جزایر قناری را که مسافرت به آن‌جا ممکن است مشکلات متعددی برای ما به دنبال داشته باشد که البته در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره خواهیم کرد.

جهنم یک نفر؟! ■

اما تقسیم‌بندی سوم که بسیار مهم و حائز اهمیت است، تقسیم سفرها بر اساس نیت و هدف و انگیزه سفر است. در واقع انگیزه اصلی یا فرعی مسافرتین اموری است که ممکن است به این سفر عنوان حلال یا حرام بدهد و سفر حرام همان چیزی است که می‌تواند خیلی از تبعات و عواقب را در پی داشته باشد.

به عنوان مثال در همان روایت ذکر شده وقتی حضرت در برابر تعجب آن دو فرد همشهری و هم سفر قرار گرفتند، فرمودند: تو «که حکم نماز شکسته است» به قصد و نیت دیدار ما این سفر را آغاز کردی؛ در نتیجه سفر تو سفر حلال و مشروع است و همه احکام مسافر از جمله حکم شکسته شدن نماز برای تو باقی است. اما تو «که حکم نماز کامل است» چون به نیت دیدار با نماینده حکومت مرکزی به این سفر آمدی سرفت از ابتدا حکم سفر حرام را دارد و در سفر حرام نماز مسافر شکسته نیست.

البته تشخیص حلال یا حرام بودن سفر خود مسأله‌ای دقیق و کارشناسی است و به آسانی نمی‌توان سفری را حلال یا حرام دانست. اما به یقین برخی از سفرها به روشنی عنوان سفر حرام دارد. مانند سفرهایی که به قصد شرکت در محافل گناه و یا حضور در برنامه‌های نامشروع انجام می‌شود و یا سفرهایی که به روشنی به ضرر جامعه اسلامی و تقویت دشمنان اسلام منتهی می‌گردد.

وقتی حضرت در برابر اظهار تعجب آن‌ها و این که چطور ممکن است دو نفر از یک شهر حرکت کرده و یک مسیر را طی کنند و به یک مقصد برسند، اما تکلیف نمازشان متفاوت باشد فرمودند...!

آن‌هایی که می‌دانند حضرت چه فرموداند خوش به حال‌شان، اما آن‌هایی که نمی‌دانند قدری صبر کنند تا در ادامه بیان کنیم. بالاخره ما هم باید ترفندی به کار بندیم که خواننده به زور هم که شده مطلب احکام را تا آخر بخواند!؟

به هر حال همه این نکات عرض شد تا توجه داشته باشید آن ور آب داریم تا آن ور آب و نمی‌توان با یک چشم به همه این سفرها نگاه کرد.

اسلام دین واقع بینی‌ها ■

اولین تقسیم بندی مهم در این سفرها را می‌توان در نوع کلی سفرها دانست. زیرا در یک نگاه عمومی سفرهایی از این دست به دو قسم ضروری و غیرضروری تقسیم می‌شوند. در واقع گاهی ضرورت‌های متعدد انسانی، اجتماعی یا دینی می‌طلبد که انسان حتی به بدترین منطقه عالم سفر کند و از نظر دین اسلام ضرورت‌ها «بسته به میزان اهمیت و لزوم‌شان» حتی مهم‌ترین موانع را هم کنار می‌زنند. از این دست نمونه‌ها می‌توان به برخی سفرهای دیپلماتیک مسئولان یا سفرهای تبلیغی مبلغان دین حتی در خطرناک‌ترین مناطق، یا سفرهای درمانی برای درمان بیماری‌های خطرناک یا حتی سفرهای زیارتی و عبادی واجب مانند «حج تمتع» اشاره کرد.

در نتیجه در مواردی که برخی از این سفرها به خودی خود مطلوب و قابل قبول نبوده و تبعات و آثار منفی داشته باشد. با فرض وجود برخی از این ضرورت‌ها و با محاسبه سود و زیان دو طرف توسط کارشناسان ممکن است حکم به جواز بلکه وجوب این سفرها داد. با این حساب نادرست، برخی افراد به هزینه‌های سنگین سفر حج و منافع اقتصادی که در این راه توسط ما به جیب وهابی‌ان عربستان می‌رود هم روشن می‌شود. زیرا سود اقتصادی این افراد هر چند دل خوشی از آن‌ها نداریم مانع انجام یک فریضه واجب الهی نمی‌شود.

جزایر کومور یا جزایر قناری؟! ■

تقسیم بندی دوم به لحاظ مقصد انجام می‌شود. در واقع از نظر شرعی این که مقصد سفر ما کجاست می‌تواند در تغییر حکم تأثیرات جدی داشته باشد. به عنوان مثال

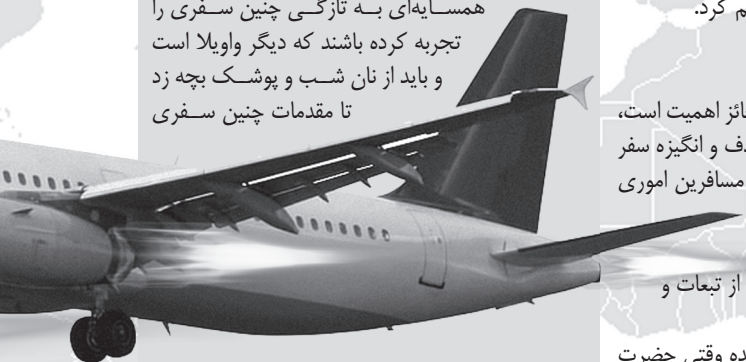
فراهم شود!

البته اوضاع و احوال برخی افراد به مراتب اورژانسی‌تر است و وضعیت برایشان به گونه‌ای شده که بدون اقامت یکی دو ساله در یک کشور خارجی حتی شده یک کشور بدبخت اروپایی مثل ایسلند و لهستان و پرتغال دردشان درمان نمی‌شود. این‌جاست که سئوالات و ابهامات و اشکالات بسیاری می‌تواند برای این افراد یا بستگان‌شان مطرح شود که چه بسا یافتن پاسخ آن‌ها تا حدودی این وسوسه نفسانی را فرو کش دهد.

به عبارت روشن‌تر این گونه سفرها ممکن است از نظر شرعی گرفتار مشکلات و ممنوعیت‌هایی باشد که آگاهی از آن‌ها لاقفل کم و کیف سفرها را دگرگون می‌سازد.

بسیار خب اما... ■

پیش از هر چیز باید دانست که سفر کردن به خودی خود امری خوب و پسندیده و مورد تشویق قرآن و





از سر جنگ درآمده‌اند که مصداق بارز آن آمریکا و اسرائیل هستند که هر نوع ارتباط نزدیک و همکاری اقتصادی و علمی و... که به تقویت این کشورها و به ضرر کشورهای اسلامی منتهی شود می‌تواند عملی نامشروع تلقی شود. به عنوان مثال اگر یک دانشمند ایرانی بخواهد علم و تشخیص خود را در اختیار صنایع نظامی آمریکا قرار دهد که نتیجه آن کشتار بی‌رحمانه‌تر مردم مظلوم عراق و افغانستان و... شود، این سفر و اقامت و همکاری حرام و نامشروع به حساب می‌آید.

اما نکته آخر که در این باب می‌توان به آن اشاره کرد، هزینه‌های این گونه سفرهاست. به هر حال با همه حرف و حدیث‌هایی که ممکن است پیرامون یک سفر خارجی و برای بازدید از کشورهای مختلف انجام شود، هزینه‌های هنگفت این سفرها از نظر شرعی مشمول حکم خاص خود است.

در واقع در یک نگاه کلی باید گفت؛ اگر اصل سفر نامشروع تلقی نگردد و به اصطلاح این سفر، سفر حرام نباشد یک مشکل جدی این سفرها را تهدید می‌کند و آن این که ناشی از چشم و هم چشمی و به جهت رو کم کنی و چیزهایی از این قبیل انجام شده باشد!

در واقع اگر خانواده‌ای ناشی از این انحرافات فکری و اجتماعی هزینه هنگفت برخی سفرها را بر خود تحمیل کنند و مثلاً به جای رفتن به شمال در ایام عید، راهی اسپانیا شوند و به طور طبیعی این سفر در شأن آن‌ها محسوب نشود، هزینه‌های این سفر، در ضمن هزینه‌های طبیعی و عادی این خانواده به حساب نمی‌آید و در نتیجه مجموع این هزینه‌های نامربوط مشمول خمس می‌شود و نمی‌توان آن‌ها را مصرف شده تلقی کرد.

این در صورتی است که اصل سفر حرام نباشد؛ والا اگر اصل سفر حرام باشد کل هزینه سفر همان حکم سابق را دارد حتی اگر این سفر به مشهد مقدس باشد؛ بر فرض اگر کسی با سفر خود موجب دلخوری و آزار و اذیت والدینش و هتک حرمت آن‌ها شود این سفر، سفر حرام خواهد بود. حتی اگر اماکن زیارتی و مذهبی باشد و هم لازم است در این سفر نمازش را تمام بخواند و هم هزینه این سفر، جزء هزینه طبیعی و عادی سال او محسوب نمی‌شود.

تردید جدی داشت. زیرا اسلام مهم‌ترین نکته سلامت در دین و دین‌داری ماست. حقیقتی که در روایات با تعبیر «عافیت در دین» از آن یاد شده و به خطر افتادن آن به هیچ وجه قابل توجیه و استدلال و تبصره و ماده آوردن نیست.

البته برخی به غلط گمان می‌کنند که اتفاقاً رفتن به این محیط‌ها و زندگی در این شرایط خاص بی‌دینی به عمیق‌تر شدن باورها و اعتقادات انسان کمک می‌کند. زیرا دین و دین‌داری که تنها در محیط اسلامی به کار بیاید ارزشی ندارد. بلکه باید در محیط کفر و در مواجهه با دیدگاه‌های غیر مسلمان بود و دین‌دار ماند و...

در پاسخ به این ادعا باید گفت هر چند این حرف در جای خود صحیح است، اما تطبیق آن بر بحث ما صحیح نیست و این همانند آن است که بگوئیم فردی که آمادگی ابتلاء به همه بیماری‌های ویروسی و باکتریایی را دارد، وارد محیطی آلوده و پر از بیماری شود تا در نتیجه تماس با این بیماری‌ها به نوعی قدرت دستگاه ایمنی برسد؛ در حالی که ممکن است این فرد اصلاً در برابر این بیماری‌ها دوام نیاورد. در واقع در صورتی می‌توان این فرد را وارد این محیط نمود که از قبل پادزهر انواع بیماری‌ها در بدنش تزریق شده باشد و با واکسینه کامل و رسیدن به اوج قدرت دستگاه دفاعی بدن قدرت مقابله با هر نوع ویروس و باکتری برای او ایجاد شده باشد.

اگر یک مسلمان نیز به توانایی کامل مقابله با هر نوع تفکر و عقیده انحرافی و غیر اسلامی رسیده باشد و فشارهای محیط او را در فکر و عمل از عقیده و باورهایش باز ندارد، حضور او در چنین محیط‌هایی بهترین تبلیغ دین هم خواهد بود. اما باید پذیرفت که اکثر افراد به چنین مرحله‌ای نرسیده‌اند یا لااقل خانواده‌هایشان دارای چنین قدرت و توان فکری و عقیدتی نیستند.

دوستی با دشمنان قسم خورده

یکی از مسائل مهم دیگر در این سفرها آن است که در مجموع این سفرها یا اقامت‌ها به نوعی تضعیف جامعه اسلامی یا تقویت جامعه کفر اتفاق نیفتد، که این امر در مواردی می‌توان مشکل ساز باشد.

بد نیست بدانید که از نظر شریعت اسلامی کفار به چند دسته تقسیم می‌شوند. مانند کفار ذمی، حربی، معاهد و... که تفسیر و توضیح هر کدام مجال دیگری می‌طلبد. اما در این میان مشکل اصلی با کفار حربی است یعنی کافرانی که به طور علنی با اسلام و کشورهای اسلامی

روایات است و در نگاه مثبت دین به اصل سفر از هر نوع که باشد زیارتی، تفریحی، ورزشی، و... تردیدی نیست. اما مشکل این‌جاست که گاهی این سفرها هر چند در اصل و اساس بی‌غرض و مرض بوده به اهداف و اغراض خوب و قابل قبولی انجام می‌شوند؛ اما در حقیقت گرفتار پیامدها و نتایج خطرناک و نامطلوبی هستند که از ریشه کار را خراب می‌کند.

فرض کنید شما به همراه خانواده محترم تصمیم می‌گیرید برای تفریح و تفرج و دیدن مکان‌های باستانی به کشوری سفر کنید. تا این‌جای کار مشکلی ندارد. اما اگر این سفر به نوعی شما یا همراهان‌تان را آلوده به گناهی کند یا

انجام واجبی
تکلیف با دارد
به یقین اصل این سفر هم

نادرست خواهد بود. مثلاً اگر در مجموعه این سفر برخی از همراهان مجبور به برداشتن حجاب خود در برابر نامحرم حتی برای مأمور فرودگاه شوند یا محیط مقصد به گونه‌ای باشد که برخی از همراهان مواجه با دیدن صحنه‌های خلاف شرع شوند، نمی‌توان اصل این سفر را درست و مشروع دانست. همین طور است اگر انسان بدانند در محیط مقصد غذای حلال اسلامی یافت نمی‌شود و در نهایت مجبور به خوردن غذای ناپاک و غیر حلال خواهد شد.

عافیت در دین

از همین‌جا تکلیف سفرهای مهاجرتی و اقامت‌های کوتاه و بلند افراد در کشورهای غیر اسلامی یا برخی کشورهای اسلامی بدتر از غیر اسلامی روشن می‌شود. یعنی اگر این اقامت‌ها حتی از باب امور معقول و تا حدی لازم مانند تحصیل و... هم انجام شود و فرض، تفریح و خوش گذرانی هم نباشد باید به آن معیار اصلی و پایه‌ای توجه داشت که آیا در مجموع این سفر و اقامت زمینه جدی آلودگی و ترک واجبات و در یک کلام دین‌داری خود و همراهان‌مان به خطر می‌افتد یا خیر؟

اگر این گونه است، باید در شروع و اقدام به این سفرها

